

Effective Parameters on Interior Architecture Design According to Islamic-Iranian Identity

*Razieh Labibzadeh**


E-mail: r.labibzadeh@gmail.com

Received : 2022/04/02

Revised: 2022/12/20

Accepted: 2022/12/26

Doi: 10.22034/rjnsq.2022.335827.1388

 20.1001.1.1735059.1401.23.92.8.3

Abstract:

One of the architecture's purposes is to explain "identity" at various levels and based on cultural background. It appears that since the growth of the foundations of modernity in the regions with identity, this function has encountered obstacles, and numerous dimensions of architecture, including interior architecture, have been imitated, broken from traditions, and lack identity. Consequently, how to identify interior architecture - regardless of the use of space - and determine the "fundamental components" is the main subject of the current research. The study's main purpose is to develop a fundamental structure for evaluating and designing the identity and tradition-oriented interior architecture. To accomplish this purpose, data pertaining to interior architecture, tradition, and spatial identification were collected using a qualitative research approach and based on the method of contextual theorizing and content analysis, and also, the resultant information was directed in order to meet the goal. The results have been organized and their theoretical underpinnings have been established for the research's philosophical perspective by employing an argumentative and inferential approach. According to the results of a study, the four traditions of "providing trust," "negating harm," "talent," and "reflection of acts" have a profound content link with the process of making an architectural work. In the way that the tradition of providing trust guides the architects' epistemology, vision, intention, and motivation. Furthermore, the tradition of negative negation encompasses functional approaches and the manner in which conceptual components from the environment are used (fixed, semi-fixed, and non-fixed elements). The talent tradition is related to the emergence of interior architecture work, and the reflection tradition explains the mutual impacts of the work of the architect and the audience. A model based on holy traditions and expressing the answers to establish a platform for the quality of the architect and the audience of the interior space has been presented as a result of the logical juxtaposition of these examples.

keywords: Interior Architecture, Divine Traditions, Islamic-Iranian Identity, Conceptual Modeling.

* Assistant Professor, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

مؤلفه‌های مؤثر بر طراحی معماری داخلی مبتنی بر هویت اسلامی-ایرانی

نوع مقاله: پژوهشی

راضیه لیب‌زاده*

E-mail: r.labibzadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۹/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۵

چکیده

یکی از کارکردهای معماری، تبیین «هویت» در مراتب مختلف و بر اساس بستر فرهنگی است. به نظر می‌رسد این کارکرد پس از گسترش مبانی مدرنیته در سرزمین‌های هویت‌مند با چالش‌هایی مواجه شده و ابعاد مختلف معماری-از جمله معماری داخلی-دچار تقلید، گسست از سنت‌ها و بی‌هویتی گشته است؛ بنابراین، چگونگی هویت‌مندی معماری داخلی-صرف نظر از کاربری فضا- شناسایی «مؤلفه‌های پایه‌ای» سؤال اصلی پژوهش حاضر است. هدف اصلی مقاله، ایجاد ساختاری بنیادین برای ارزیابی و طراحی هویت‌مند و سنت‌محور معماری داخلی است. برای دستیابی به این هدف با استفاده از راهبرد کیفی در پژوهش و مبتنی بر روش نظریه‌یابی زمینه‌ای و تحلیل محتوا، داده‌های مرتبط با معماری داخلی، سنت و هویت‌مندی فضای گردها گردآوری و اطلاعات حاصله در راستای نیل به هدف جهت‌دهی شده‌اند. با استفاده از رویکرد استدلالی و استنتاجی ساماندهی یافته‌ها صورت گرفته و مبانی نظری آن برای موضع‌گیری فلسفی پژوهش مشخص شده است. براساس یافته‌های تحقیق مشخص شد، چهار سنت «عرض امانت»، «نفی حرج»، «استعداد» و «بازتاب اعمال» ارتباط محتوایی عمیقی با فرآیند ایجاد اثر معماری دارد، به صورتی که سنت عرض امانت معرفت‌شناسی، بینش، نیت و انگیزه معماران را هدایت می‌کند، سنت نفی حرج شیوه‌های عملکردی و نحوه به‌کارگیری عناصر مفهوم‌ساز از محیط (عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت) را در برمی‌گیرد. سنت استعداد، مربوط به تجلی اثر معماری داخلی است و سنت بازتاب عمل تأثیرات متقابل اثر بر معمار و مخاطب را تبیین می‌نماید. از برهم‌نهی منطقی این موارد مدلی ارائه شده که بر سنن الهی استوار است و راهکارهای ایجاد بستر تعالی معمار و مخاطبان فضای داخلی را بیان می‌دارد.

کلیدواژه‌ها: معماری داخلی، سنت‌های الهی، هویت اسلامی-ایرانی، مدل‌سازی مفهومی.

مقدمه و طرح مسئله

تحولات انقلاب صنعتی و تأثیرات آن با نام مدرنیسم بر اندیشه‌های افراد جامعه و به تبع آن، معماران در سده اخیر اثر گذاشته (گیدین، ۱۳۹۱: ۲۰۱) و ابعاد گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و هویتی، زندگی انسان‌ها را با چالش‌هایی مواجه ساخته است (آصفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۱). به صورتی که با خوانش اصول مدرنیسم می‌توان آن را «نهضت انفکاک» نام‌گذاری کرد. جدایی و مردود ساختن تاریخ، سنت، اصول محتوایی و «تمام آنچه در گذشته بوده» می‌تواند محصول مدرنیسم خوانده شود. به بیانی دیگر می‌توان گفت «بدعت به‌مثابه نوآوری مداوم و حتی نقادی و ویرانگری (دیکانستراکشن) راه برگزیده شده در اندیشه مدرنیسم است» (حجت، ۱۳۹۳: ۳۷). این دیدگاه در معماری و طراحی داخلی فضاها نیز نفوذ کرده است، به طریقی که کالبدسازی فضاها را داخلی مبتنی بر اعمال سلیقه طراحان یا کارفرمایان با دیدگاه‌های پیشینی یا پسینی شکل می‌گیرد^(۱)، بدین معنی که معماران داخلی با رویکردی ایجابی به تعریف فضای داخلی مطلوب پرداخته و در راستای ایجاد آن اقدام می‌نمایند و یا کارفرمایان با رویکردی توصیفی فضاها را دلخواه خویش را معرفی نموده و سعی در ساخت آن دارند که هر کدام از این رویکردها می‌توانند مبتنی بر سبک‌گرایی و یا مدرگرایی باشند (گروتر، ۱۳۹۵: ۹۵) و موجب آسیب معماری داخلی گردند و بدعتی تازه در طراحی فضاها را ایجاد نمایند.

از منظر آیت‌الله جوادی آملی علم تجربی موجود، معیوب است، چون در سیری افقی به مسیر خود ادامه می‌دهد و عالم مبدأ را نمی‌بیند و غایت و فرجامی متصور نیست، این نگرش علم را زاییده تفکر خود می‌پندارد و جایگاه الهی آن را مد نظر قرار نمی‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۶۰)؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از چالش‌های معماری [داخلی] در دوره معاصر، عدم وجود ساختاری هویت‌مند و سنتی (مبتنی بر سنت الهی) برای طراحان، کارفرمایان و استفاده‌کنندگان از فضا است. با توجه به این مسئله، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-ایجابی در پی ایجاد ساختاری روشمند و بنیادین برای بررسی، ارزیابی، طراحی و یا اصلاح معماری داخلی است که بر سنت الهی و هویت اسلامی استوار شود و کاربردی باشد تا با کمک آن گامی در راستای هویت‌مند شدن فضاها را بردارد. در این مقاله «هویت مطلوب» مبتنی بر اندیشه‌ها و سنت اسلامیست^(۲) و با توجه به اینکه مؤلفه «کارایی» پنجمین مؤلفه مؤثر در محتوای بیانیه گام دوم انقلاب است (ذاکری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۳) بر جنبه کاربردی آن تأکید می‌شود. برای دستیابی به هدف فوق سابقه موضوع در محورهای «معماری داخلی»، «سنت» و

«هویت» بررسی شده و مبانی نظری تحقیق برای سیر در مسیر تمدن نوین اسلامی تشکیل می‌گردد. برای کالبدسازی فضاهای داخلی نیز مؤلفه‌های اصلی برای تجزیه و تحلیل عناصر مفهوم‌ساز معماری داخلی استخراج شده و عناصر هویت‌ساز ایرانی-اسلامی براساس زبان معماری داخلی ترجمه می‌گردد. سپس با برهم‌نهی داده‌ها مدلی^(۳) کاربردی و بنیادین برای مطالعه، ارزیابی و نیز طراحی فضاهای داخلی ارائه می‌گردد.

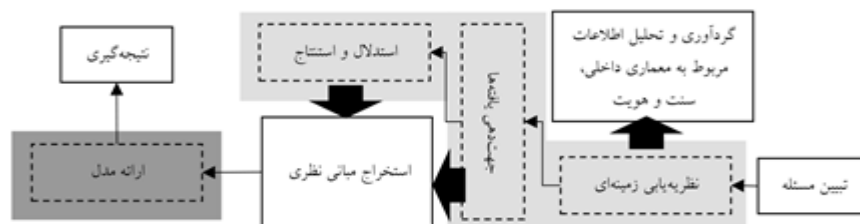
سؤالات تحقیق

با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش «ایجاد ساختار روشمند و بنیادین برای مطالعه، ارزیابی و طراحی هویت‌مند معماری فضاهای داخلی مبتنی بر هویت اسلامی-ایرانی» است، در این راستا پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

- مؤلفه‌های مؤثر بر معماری داخلی کدام‌اند؟
- چه ویژگی‌هایی منجر به هویت اسلامی-ایرانی در معماری فضاهای داخلی می‌شود؟
- سنت‌های هویت‌ساز در معماری داخلی (مبتنی بر سنت‌های الهی) چه مواردی هستند؟
- سنت‌های هویت‌ساز چگونه در کالبد معماری داخلی متجلی می‌گردد؟

روش تحقیق

با توجه به رویکرد پژوهش، در این مقاله با استفاده از روش نظریه‌یابی زمینه‌ای، زنجیره‌ای از اطلاعات مرتبط با معماری داخلی، سنت و هویت ساخته شده و نتیجه حاصل از آن‌ها تکوین می‌گردد، اطلاعات این بخش به‌طور خاص بر معماری داخلی و هویت تمرکز دارد. پس از گردآوری داده‌ها، بازآزمایی آن‌ها در خلال تحقیق صورت گرفته و نتایج جهت‌دهی شده است، سپس با استفاده از روش استدلالی و استنتاجی، مبانی نظری تحقیق نگاشته و در قالب مدلی کاربردی ارائه می‌گردد؛ بنابراین راهبرد پژوهش حاضر کیفی و در راستای نیل به هدفی بنیادین خواهد بود (نمودار ۱) (با اقتباس از وانگ و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۱).



نمودار ۱: روش تحقیق



پیشینه و شالوده‌ی نظری پژوهش

همان‌گونه که بیان شد، این تحقیق در پی معرفی ساختاری بنیادین برای طراحی داخلی مبتنی بر سنت و هویت اسلامی-ایرانیست، بنابراین ضرورت دارد پیشینه و مبانی نظری موضوع در محورهای «معماری داخلی»، «سنت» و «هویت» بررسی و مطالعه شود؛ بنابراین در مرحله اول، سابقه‌ای از معماری داخلی و رویکرد تکاثری آن در عصر حاضر بررسی شده و سپس به سنت و مفاهیم و معانی آن پرداخته خواهد شد و پس از خوانش هویت، ارتباط سنت و هویت تبیین می‌گردد تا سنت‌های هویت‌ساز معرفی شوند و مبتنی بر این مطالب مبانی نظری و شالوده تحقیق معرفی می‌شود.

معماری داخلی و رویکرد تکاثری آن در عصر حاضر

مطالعات مربوط به معماری داخلی محور اول خوانش پیشینه موضوع را تشکیل می‌دهد. می‌توان سابقه پرداختن به معماری فضاهای داخلی را در معماری روم باستان جستجو نمود، به بیانی دیگر، معماران رومی بودند که فضا سازی را در معماری داخلی باب کردند (بانی مسعود، ۱۳۸۹: ۶۸)؛ اما پس از سیر تاریخی این نوع از فضا سازی، در بررسی ادبیات نظری معاصر معماری داخلی، منابع فراوانی مشاهده می‌شود، از یاد منابع معماری داخلی می‌تواند دلیلی بر «کثرت‌گرایی و سلیقه‌گرایی» در این باب باشد (حجت، ۱۳۹۳: ۷۱)، اما در یک دسته‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را براساس موضوعات معرفی کرد: ۱- منابع آموزشی در حوزه معماری داخلی، ۲- منابع تاریخ‌شناسانه معماری و طراحی داخلی ۳- منابع سبک‌شناسانه در معماری داخلی. از جمله منابع آموزش معماری داخلی می‌توان به کتاب مرجع کامل معماری داخلی نوشته دی. کی. چینگ (۱۳۹۲) اشاره کرد که ضمن معرفی عناصر و سیستم‌های معماری داخلی ساختمان‌ها، به آموزش اصول پایه در معماری (ریتم، حرکت، سکون، دعوت‌کنندگی و مانند آن‌ها) می‌پردازد، وی در این کتاب اشاراتی به سیستم‌های سازه‌ای، سیستم‌های تأسیساتی و بهداشتی، نور و آکوستیک و مواردی از این قبیل دارد. آنتونی سولی در کتاب طراحی داخلی: نظریه و روند به تشریح اصول و چارچوب مطالعه این رشته پرداخته و تمامی مراحل روند طراحی را شرح می‌دهد، وی بیان می‌دارد طراحی داخلی ایده‌هایی است که طراح را درگیر عناصر فضای داخلی می‌کند (گلچین، ۱۳۹۵: ۵۲).

منابع آموزشی فراوان دیگری نیز در این زمینه وجود دارند (بروکر و همکاران، ۱۳۹۲؛ گریملی و لاو، ۱۳۹۶: ۱۳ و...) که مبتنی بر اندیشه‌های مؤلفان و بر حسب تجارب

شخصی آن‌ها به آموزش طراحی داخلی می‌پردازند. دسته‌ای دیگر از مطالعات در باب طراحی داخلی، منابع مرتبط با سیر تاریخی معماری داخلی است، این مطالعات به بررسی مبلمان‌های تاریخی، تزئینات در معماری داخلی صخره‌ای، راهکارهای سنتی در معماری داخلی و... پرداخته‌اند. در بین منابع تاریخ‌شناسی معماری داخلی می‌توان از کتاب *تاریخ طراحی داخلی* نوشته پایل و گورا (۱۳۹۷) نام برد. این کتاب به بررسی اعماق تاریخ زندگی بشر می‌پردازد و نقطه آغاز بررسی خود را، پس از ابتدایی‌ترین تجربه‌های بشر از «فضای درون» و شکل‌گیری این مفهوم در برابر «فضای بیرون» با پناه‌گرفتن در غارها برای عینی‌سازی مفهوم «درون» در مقابل «بیرون» قرار می‌دهد، مطالعات او از بررسی نقاشی‌های انسان‌های نخستین در غارها شروع شده و تا انتهای دوره مدرنیسم ادامه می‌یابد. بخش سوم مطالعات در خصوص معماری داخلی منابع با رویکردهای سبک‌شناسانه هستند، دوشه روبیر (۱۳۹۵) در کتاب *شناخت سبک‌های معماری و دکوراسیون داخلی*، خصلت‌های ظاهری و ساختاری شاخص را عامل دسته‌بندی سبک‌ها معرفی کرده و بر این اساس ۳۷ سبک در معماری داخلی معرفی می‌نماید. این دسته‌بندی براساس دوره‌های زمانی شکل گرفته و از هنر مصری آغاز می‌شود و در ادامه سبک‌هایی از هنر یونان، روم، بیزانس، رومانسک، گوتیک، رنسانس بررسی می‌گردد، در پایان نیز سبک‌هایی تحت عنوان بین‌الملل، پاپ آرت و گرایش‌های کنونی معرفی می‌شوند. کتاب *سبک‌شناسی در معماری داخلی* تألیف محمدرضا مفیدی (۱۳۹۷) نیز به معرفی مؤلفه‌ها، کارکردها، اجزا و شاخص‌های خاص در انواع سبک‌های دکوراسیون داخلی می‌پردازد.

در این پژوهش هر سبک در معماری داخلی به وسیله‌ی تعداد مشخصی از اجزاء و عناصر مشترک معرفی شده است. در بخش سبک‌شناسی تاریخی ۳۲ سبک و در بخش سبک‌شناسی بین‌الملل (معاصر) ۱۵ سبک معرفی می‌شود. به نظر می‌رسد با بررسی منابع در هر سه دسته مذکور می‌توان رویکرد پیشینی پژوهشگران را استنباط نمود و بیان کرد معماری داخلی در دوران معاصر، یا بر محور معمار بوده و تابعی از بینش و سلیقه اوست و یا کاملاً مطابق امیال مدگرایانه «باشندگان محیط» است که هر دو حالت امر می‌تواند منجر به تکثر و ناهماهنگی معماری داخلی گردد که از آن تحت عنوان «بی‌هویتی» یاد می‌شود: «معماری امروز به تعداد معماران [یا استفاده‌کنندگان] هویت دارد، پس هویتی ندارد. معماری امروز در پی خلق هویتی جدید است، پس از هویت موجود پیروی نمی‌کند. راهکار مقابله با بی‌هویتی ایجاد هم‌زبانی در آثار معماری است»



(حجت، ۱۳۸۴: ۵۹). در حالی که پژوهش حاضر بدون گرایش به رویکردی پیشینی یا پسینی، در پی بررسی اشمالی، تعمیم‌پذیر و بنیادین در هویت‌بخشی به معماری داخلی بر مبنای شاکله‌ای متقن و هویت‌مند است. به نظر می‌رسد با ایجاد زبانی واحد با کمک مفهومی مشترک (مثل سنت و هویت) و ارائه راهکار ترجمان آن مفهوم می‌توان موجبات هویت‌مند شدن معماری داخلی را فراهم کرد. برای این امر ضروری است که پیشینه «سنت و هویت» بررسی گردد و سنت‌های هویت‌ساز اسلامی معرفی شود.

سنت و مفاهیم مرتبط با آن

سنت، به معنای راه یا روش است و معمولاً به یک اسم اضافه می‌شود که در این صورت، به معنای روش آن مسمی است، در کتاب قاموس قرآن از قول طبرسی نقل شده که «سنت و طریقه و سیره، نظیر هم هستند» (قرشی‌بنایی، ۱۳۸۶: ۳۴۲). لذا به روش‌ها و قوانینی که در افعال الهی وجود دارد و خداوند متعال بر اساس آن، امور عالم و آدم را تدبیر می‌کند، سنت‌های الهی می‌گویند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱: ۴۲۵). سنت‌های الهی دارای خصوصیات ویژه‌ای هستند. مهم‌ترین خصوصیت آن‌ها که صریحاً در قرآن ذکر شده این است که قابل‌تغییر و تبدیل نیستند: «لَا تَجِدُ لُسْتِنًا تَحْوِيلًا» (اسراء، ۷۷)^(۴).

سنت‌های الهی در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- سنت‌های مطلق: سنت‌هایی هستند که متوقف بر چیزی نیستند و در واقع قوانین اساسی آفرینش و تدبیر انسان هستند، لذا ثابت و عمومی هستند و به عبارت دیگر این سنت‌ها استثناپذیر نبوده و شامل همه انسان‌ها و دائمی و همیشگی هستند و هیچ سنت دیگری نمی‌تواند بر آن‌ها حاکم شود (مانند سنت خلق انسان در احسن‌التقویم، سنت هدایت تکوینی و فطری، سنت قدر الهی و ...) (۵)؛ ۲- سنت‌های مقید: سنت‌هایی هستند که تحقق آن‌ها متوقف بر مقدماتی است که فراهم ساختن آن مقدمات در اختیار انسان است این سنت‌ها قابل‌تغییر و تبدیل هستند و ممکن است بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر، در شرایط خاص، مقدم باشند (ابراهیمی، زرنگار و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۶). در خصوص سنت‌های مقید مربوط به مؤمنین، متذکر می‌گردد برای رسیدن به هدایت ویژه الهی، تلاش لازم است و در این مسیر، باید گام اول را خود انسان بردارد، گاهی، یک گام و یک لحظه تلاش خالصانه، هدایت و نجات ابدی را به دنبال دارد و آنچه به تلاش‌ها ارزش می‌دهد، خلوص است (قرائتی، ۱۳۹۷: ۴۱۰). از جمله سنت‌های مقید مربوط به مؤمنان می‌توان به سنت هدایت افرادی که دارای زمینه هدایت هستند توسط خداوند (بقره،

(۲۱۳)، سنت سرپرستی مؤمنان توسط پروردگار (بقره، ۲۵۷) و سنت عدم تسلط شیطان بر کسانی که تحت فرمان خدا هستند (حجر، ۴۲) اشاره کرد. همچنین می‌توان گفت بی‌توجهی به سنت‌های الهی موجب خروج انسان از ولایت خداوند و قرار گرفتن تحت لوای طاغوت است (بقره، ۲۵۷)، در این صورت براساس «سنت زیادت ضلالت» بر گمراهی کافران افزوده شده (صف، ۵) و مبتنی بر «سنت املاء و استدراج» نعمت‌های دنیوی اهل طاغوت افزوده می‌شود تا فریفته و مغرور شوند و بر کفر خود بیفزایند و دچار عذاب بزرگ‌تری شوند (آل عمران، ۱۷۸) و اثبات نمایند لیاقت بهره‌مندی از سنت عرض امانت را ندارند (بقره، ۱۲۴) و در نهایت براساس «سنت استیصال» زمین از لوث وجود آن‌ها پاک گردد (اسراء، ۱۵)؛ بنابراین سنت به‌مثابه پدیده‌ای آیینی و پایدار است که راه و رسم زیستن انسان در این جهان و تمایز بین خوب و بد را به او می‌آموزد (حجت، ۱۳۹۳: ۲۹). سنت‌ها می‌تواند هویت و شخصیت انسان را تشکیل دهد و زمینه سعادت او را ایجاد کند.

هویت

هویت در لغت به معنی شخصیت، ذات، هستی و وجود منسوب به «هو» است، هویت یعنی حقیقت شیء یا شخصی که مشتمل بر صفات جوهری وی باشد و باعث تشخیص «این از آن» گردد (عمید، ۱۳۶۳: ۱۹۸۴). صدرالمتهالین شیرازی هویت هر موجودی را از نحوه خاص وجود او می‌داند و می‌گوید: در انسان، هویت واحدی است که متشان به شئون مختلف می‌شود (دستی، ۱۳۸۰: ۴۸). هویت یک فرایند است، نه یک «چیز یافت شدنی»، شاید بتوان آن را به ردپایی تشبیه کرد که یک تمدن در طول حرکتش از خود بجای می‌گذارد و به‌صورت ناخودآگاه شکل می‌گیرد و نمی‌تواند مصنوع یا عاریه باشد (کورثا، ۱۳۸۷: ۸۲). در باب مسئله هویت و محیط (معماری)، صاحب‌نظران مختلف عقاید خود را بیان داشته‌اند و مؤلفه‌های مختلفی برای این مفهوم در نظر گرفته‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۸۳؛ کامل‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۷؛ تقوایی، ۱۳۹۱: ۶۵). والتر بور (۱۳۷۶) از جمله صاحب‌نظران در حیطه «ارتباط هویت و محیط» است. از نظر وی، هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناخت یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دل‌بستگی و حساسیت محیط را به وجود می‌آورد (دانش‌پور، ۱۳۸۳: ۵۵). کالن هویت را توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و تشابه محیط‌های شهری از طریق به جلوه درآوردن ویژگی‌های خاص هر محیط تعریف می‌کند (دانش‌پور، ۱۳۸۳: ۵۵).



کریس ابل (۱۳۸۷) در کتاب معماری و هویت ضمن پرداختن به پیچیدگی‌های هویت انسان، هویت موجود در شهرهای مدرن و صنعتی را رد می‌کند و هویت معماری را وابسته به سیستم‌های ارتباطی و کانال‌های اجتماعی-تعاملی بیان می‌دارد، وی در پی بازگرداندن چیزی به معماری است که مدرنیسم از معماری حذف کرد و راهکار را در معماری محلی و منطقه‌ای اعلام می‌دارد. لینچ (۱۳۹۵) برای هویت دو کارکرد مهم در نظر می‌گیرد: کارکرد اول حس تشخیص نامیده می‌شود، به عبارتی هویت به انسان قدرت تشخیص می‌دهد و به وی کمک می‌کند تا بتواند محیط را بخواند و پیش‌بینی کند. اگر محیط فاقد هویت (حس تشخیص و تمایز) باشد، قابل خواندن نیست. کارکرد دوم لینچ برای هویت محیط، عملکرد عاطفی هویت محیط است. از نظر راپاپورت (۱۳۹۰)، هویت خصوصیتی از محیط است که در شرایط مختلف تغییر نمی‌کند و می‌تواند شامل خصوصیات فیزیکی نظیر شکل، ابعاد، تزئینات، سبک ساختمانی و امثالهم باشد، یا فعالیت‌های خاص جاری در محیط و یا عملکردهای یک محیط را بیان نماید. الکساندر یکی دیگر از اندیشمندان است که در زمینه هویت محیطی به اظهار نظر پرداخته است. به عقیده او هویت در محیط هنگامی متجلی می‌شود که ارتباط طبیعی و منطقی بین فرد و محیط حاصل شده باشد (سلسله، ۱۳۸۸: ۵۳).

نقره‌کار و علی‌الحسابی (۱۳۹۶) در کتاب تحقیق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی با رویکردی اسلامی، سه مؤلفه اصلی برای ظهور هویت در محیط‌های مصنوعی (معماری و شهرسازی) را بدین شرح معرفی می‌نمایند: ۱- تجلی ایده‌ها و آرمان‌های معماران در کالبد، ۲- حضور انسان‌ها در محیط و نوع اعتقادات مردم، ۳- اعمال فردی و اجتماعی مخاطبان، مجموع این سه مؤلفه می‌تواند مبین هویت یا چیستی محیط باشد؛ بنابراین، هویت برای انسان، باور است که به مدد ایمان شکل می‌گیرد و سازنده و پردازنده کردار و رفتار اوست و از اصولی پیروی می‌کند که از سوی پروردگار صادر شده و از طریق وحی به انبیا، به انسان ابلاغ می‌گردد، این اصول سازنده شخصیت و هویت انسان و هنجارهای اجتماعی اوست، بر همین اساس هویت در آثار معماری [داخلی] پدیده‌ای خلق‌الساعه نبوده و در تکمیل تدریجی کسب می‌شود (حجت، ۱۳۸۴: ۵۹).

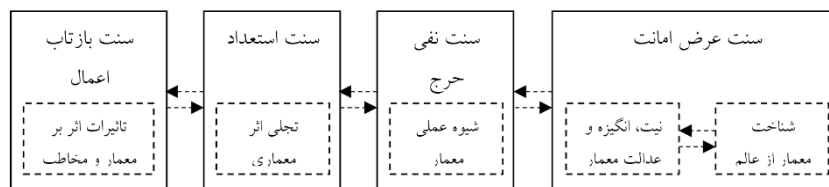
پس معماری دارای هویتی است که از یک‌طرف بیانگر ارزش‌های حاکم بر جامعه بوده و از طرف دیگر مبین ارزش‌هایی است که جامعه به آن‌ها تمایل دارد. همچنین معماری بیانگر عوامل هویت فرهنگی پدیدآورنده آن است (طبسی، ۱۳۸۶: ۳۶۹) و آنچه

اثر را در نگاه «عموم» با هویت جلوه می‌دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویت جمعی و پایدار است (حجت، ۱۳۸۴: ۵۸). با توجه به اینکه مقوله هویت در معماری در پی نمایش تجلی مفهوم در کالبد است، می‌توان از آن به‌عنوان «هویت معنوی» نام برد، هویت معنوی مرتبه‌ای از هویت است که علاوه بر اشاره به وجوه معنوی باورها و اعتقادات، مشتمل بر مبانی مستفاد از آثار و ساخته‌های انسانی است؛ یعنی این مقوله از هویت، شامل اصول و ارزش‌های مورد باور جامعه-که در شکل ظاهر زندگی مادی آن‌ها تجلی می‌یابند-می‌گردد (خسروی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱)؛ بنابراین هویت معنوی در آثار معماری داخلی مبتنی بر سنت‌های هویت‌ساز اسلامی مدنظر این پژوهش قرار دارد که باید به طریقی در فضای داخلی ترجمه کالبدی گردد.

سنت‌های هویت‌ساز در معماری

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت در صورتی که سنتی از سنن الهی در جامعه‌ای جاری شود، موجب تمایز آن جامعه از دیگر جوامع خواهد شد و به طریقی هویتی مبتنی بر آن سنت برای جامعه ایجاد می‌نماید. مطابق با آیه ۷۲ سوره احزاب، «عرض امانت به انسان» یکی از سنت‌های مطلق الهی است. امانت همان تکلیف است و انسان چون استعداد پذیرش این تکلیف را داشت، آن را پذیرفت. امانت چیزی است که حفظ، نگهداری و عمل به آن موجب رستگاری و تخلف از آن باعث عقاب می‌شود. در تفسیر میزان امانت به ولایت الهی تفسیر شده که از «شناخت خدا» و «عمل صالح» یا علم و عدل (در مقابل جهل و ظلم) حاصل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۳۵۸)؛ بنابراین می‌توان گفت: در صورتی که معمار مسلمان در پی دستیابی به دانش و بینش مبتنی بر حکمت نظری اسلام (عقل و نقل) و گرایش و انگیزه عادلانه (حکمت عملی) در طراحی فضای داخلی باشد، به‌سوی ادای امانت الهی گام برمی‌دارد. یکی دیگر از سنت‌های مطلق الهی «سنت نفی حرج» براساس آیه ۱۸۵ سوره بقره است. مطابق بر این سنت، خداوند برای بندگانش یُسْر خواسته و عُسْر نخواست است (حتی در مسائل زهد و عبادت). پس می‌توان گفت معمار مسلمان موظف به به‌کارگیری شیوه‌های عملی مبتنی بر اجتهاد حرفه‌ای است تا ساختاری مناسب، مبتنی بر شرایط زمان-مکان و مطابق با نیازهای مختلف^(۶) مخاطبان فضا ایجاد کند و زمینه آرامش و آسایش ایشان را فراهم سازد. «سنت استعدادها» برآمده از آیه ۲۶ و ۲۷ سوره نوح است و بیان می‌دارد اندیشه‌ها و دستگاه فکری انسان در پدیده‌های ایجادشده توسط او تجلی می‌یابد و می‌تواند موجب

سعادت یا شقاوتش شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۰). می‌توان از این سنت چنین برداشت کرد که اندیشه معمار مسلمان در پدیده هنری تجلی پیدا می‌کند و جدای از آن نیست، همچنین برای متجلی کردن ایده در پدیده، استعداد لازم است. «سنت بازتاب اعمال» نیز برآمده از آیه ۲۸۶ سوره بقره است^(۷) و بیان می‌کند هر عملی آثار متناسب با خود را دارد و تأثیر برخی از اعمال، افزون بر عمل‌کننده بر وابستگان به آن نیز می‌رسد و پیامدهای برخی از اعمال، اجتماع را فرامی‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۵۹)؛ بنابراین می‌توان گفت تأثیرات پدیده معماری بر معمار و مخاطب اثر امری قطعی است، به صورتی که از بعد مادی جبری و از بعد معنوی اختیاری است (نقره‌کار، ۱۳۹۵: ۱۰) (نمودار ۲).



نمودار ۲: تبیین ارتباط معنادار ۴ سنت عرض امانت، نفی حرج، استعداد و بازتاب اعمال با مراحل پنجگانه خلق اثر معماری (با اقتباس از نقره‌کار، ۱۳۹۵: ۵؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲)

مطالب فوق در دسته سنت‌های پنداری و مستخرج از نص صریح آیات قرآن هستند و اصول کلی معماری داخلی را می‌توان از آن استنباط کرد. برای دستیابی به راهکارهای عملی می‌توان به سنت‌های گفتاری و کرداری ائمه معصومین مراجعه کرد. به‌طور مثال مطابق با شرایط زمان و مکان، ضوابط و مقرراتی در باب جهت‌گیری شهر و خانه‌ها، فضاهای داخلی هر خانه، بهداشت و نور فضاها، فضاهای شهری و جانمایی هر کدام، نقشه راه‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها توسط پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) تدوین شده است^(۸) (العاملی، ۱۳۹۱: ۱۱). توجه به جمیع سنت‌های یاد شده می‌تواند زمینه کالبدی برای رشد و تعالی مؤمنان (سنت مقید در خصوص انسان‌ها) را فراهم سازد و یا با بی‌توجهی به آن باعث ضلالت و گمراهی انسان‌ها گردد (سنت‌های مقید برای کافران)؛ بنابراین برای به‌کارگیری این سنت‌ها در معماری (فضاهای داخلی) ضروری است که عناصر کالبدی فضاهای داخلی شناسایی گردد.

عناصر مفهوم‌ساز فضای داخلی مبتنی بر زبان معماری داخلی

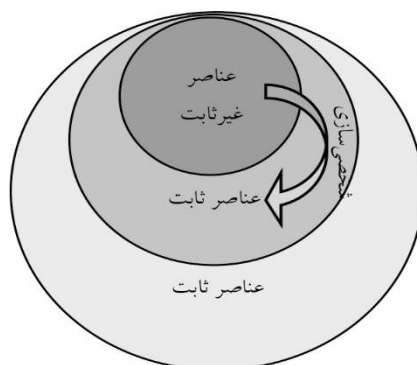
منظور از عناصر مفهوم‌ساز چیزی است که به‌طور واضح و روشن توسط محیط معنی می‌شود و موجب آشکار شدن الگوها و قواعد آن می‌گردد (راپاپورت، ۱۳۹۰: ۳۹). قابل‌لمس‌ترین و ساده‌ترین مفهوم‌سازی از هر محیط، ترکیب عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت آن است، عناصر ثابت تأسیسات زیربنایی، ساختمان‌ها، دیوارها، کف‌ها، سقف‌ها، ستون‌ها و امثالهم هستند، اگرچه آن‌ها تغییر می‌کنند، اما تغییرات آن‌ها غیر مکرر و نسبتاً مشکل است (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۵۴)، به بیانی دیگر می‌توان گفت که عناصر ثابت، مرزهای فضای داخلی است (شولتز، ۱۳۹۵: ۴۰).

عناصر نیمه‌ثابت مبلمان‌های محیط هستند و دکورها، تزئینات، گیاهان، پرده‌ها، تابلوها، چراغ‌ها و... را شامل می‌شوند. عناصر غیرثابت، مردم، فعالیت‌ها، رفتارها و لباس‌ها هستند. علاوه بر این، عناصر غیرثابت عمل متقابل، ارتباطات اجتماعی، سیستم‌های قوانین و... را در برمی‌گیرد و به‌عنوان بخشی از محیط به‌طور غیرمستقیم آن را به ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها، سلايق و خواسته‌ها ارتباط می‌دهد (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۵۵). نیازها و خواسته‌های مخاطبان فضا، موجب شکل‌گیری آن شده و سپس، «فضا»، اعمال و رفتار مخاطبان را جهت‌دهی می‌کند؛ یعنی بخشی از عناصر نیمه‌ثابت توسط مخاطبان تصاحب، تعریف و اصلاح می‌گردد، این فرآیند غالباً «شخصی‌سازی» نامیده می‌شود که موجب ایجاد حال و هوای بخصوص محیط می‌شود (حتی اگر مردم از نظر فرهنگ یکسان باشند شخصی سازی متأثر از هویت فردی آن‌هاست)؛ همچنین شخصی‌سازی محیط ممکن است با سلیقه و ارزش‌های طراحان متفاوت باشد (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۵۱).

پس از معرفی عناصر مفهوم‌ساز فضا ضروری است که مرتبه‌های جزئی‌تری از عناصر نیمه‌ثابت معرفی گردد. چینگ (۱۳۹۲) واژگان طراحی داخلی را فرم، شکل، رنگ، بافت، نور، تناسب، مقیاس، توازن، وحدت و تنوع، هارمونی، ریتم و تأکید معرفی می‌کند و عناصر معماری داخلی را شامل سازه، دیوار، سقف، کف، عایق‌های حرارتی و رطوبتی، تیغه‌های غیر باربر، شکستگی‌های سقف، در و پنجره، پله، نرده، رمپ، آسانسور، تأسیسات، دریچه‌ها، تجهیزات بهداشتی، برقی می‌داند. همچنین او در مبحثی جدا، نور، آکوستیک، مبلمان، پوشش‌های کف و دیوار، چراغ‌های سقفی و امثالهم را موردبررسی قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد که در راستای دسته‌بندی منطقی عوامل معماری داخلی، بتوان کف، جداره و سقف (و تأسیسات زیربنایی) به همراه شکستگی و روزنه‌هایشان (مثل درب‌ها، پنجره‌ها و...) را به‌عنوان عناصر ثابت در معماری داخلی

معرفی کرد، اما با توجه به گستردگی عناصر نیمه ثابت، دسته بندی دقیق تری در این خصوص نیاز است، پس می توان از انواع مبلمان، کمد و کابینت ها، وسایل کاربردی (متناسب هر فضا)، پوشش های کف و دیوار و مانند آن به عنوان «تجهیزات»؛ تابلوها، گلدان ها، وسایل و پوشش های زینتی، مجسمه ها و امثالهم به عنوان «تزئینات»؛ و وسایلی مانند چراغ ها، کلید و پرزها، شیرآلات، وسایل گرمایشی و سرمایشی روبنایی به عنوان «ادوات» یاد کرد (با اقتباس از چینگ، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

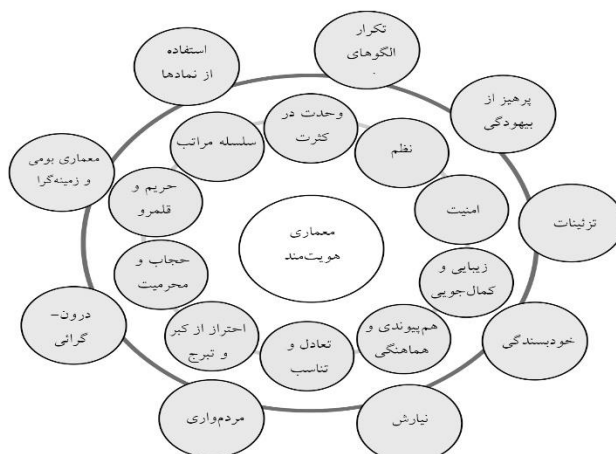
به طریقی که عناصر نیمه ثابت در دل عناصر ثابت جای گرفته و متأثر از آن هستند و هر دوی آن ها بر عناصر غیر ثابت تأثیر گذار خواهد بود (تأثیرات متقابل محیط و رفتار)، (نمودار ۳). پس در صورتی عناصر مفهوم ساز محیط هویت مند و سنتی (مبتنی سنت الهی) باشند معماری نیز هویت مند است (سیر از جز به کل) و رفتارهای مخاطبان جامعه را به سوی هویت مطلوب سوق می دهد.



نمودار ۳: سلسله مراتب عناصر مفهوم سازی از فضاهای داخلی (با اقتباس از راپاپورت: ۱۳۹۱: ۵۵)

با توجه به اینکه معماری و شهرسازی سنتی اسلامی-ایرانی همواره در بستر زمان و مکان، پاسخ های متفاوت، اما منبعث از اصول ثابت به مسائل مختلف داشته (لیب زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۸) و آثار آن-در دوره های کهن و تاریخی-دارای هویتی متداوم بوده است (اردلان، ۱۳۹۳: ۳۳)، می توان کالبد های هویت محور و سنتی آن را بازخوانی و احکامی در این راستا استنباط نمود. در معماری اسلامی-ایرانی اصولی چون «سلسله مراتب، وحدت در کثرت، حریم و قلمرو، حجاب و محرمیت، احتراز از کبر و تبرج، تعادل و تناسب، هم پیوندی و هماهنگی، زیبایی و کمال جویی، امنیت و نظم» وجود دارد (نقی زاده، ۱۳۹۰: ۲۱۸) که «در هر دوره ای» و «با هر ابزاری» قابلیت تجلی

دارند. علاوه بر این، برخی از مؤلفه‌ها به‌عنوان نموده‌های کالبدی تجلی هویت در معماری اسلامی-ایرانی هستند. این مؤلفه‌ها شامل «تکرار و تکامل الگوهای قبلی»، «استفاده از نمادهای ملی و مذهبی»، به‌کارگیری «معماری بومی و زمینه‌گرا» و «تزئینات» به‌همراه «اصول پنج‌گانه معماری ایرانی» یعنی: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درون‌گرایی و خودبسندگی هستند (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۳). با توجه به اینکه ارزش‌های پایه زیربنای کالبد معماری هستند (گروتز، ۱۳۹۰: ۹۵) و براساس اصل وحدت در عین کثرت، تمام عناصر تشکیل‌دهنده معماری اسلامی هم‌راستا بوده و در پی یک هدف ایجاد شده‌اند (نقره‌کار، ۱۳۹۴: ۳۳۴) می‌توان عناصر هویت‌ساز معماری ایرانی-اسلامی را به‌صورت نمودار ۴ نشان داد و سلسله تأثیرات آن بر عناصر ثابت و نیمه‌ثابت (به‌صورت مستقیم) و عناصر غیرثابت (به‌صورت غیرمستقیم) را در نظر گرفت.

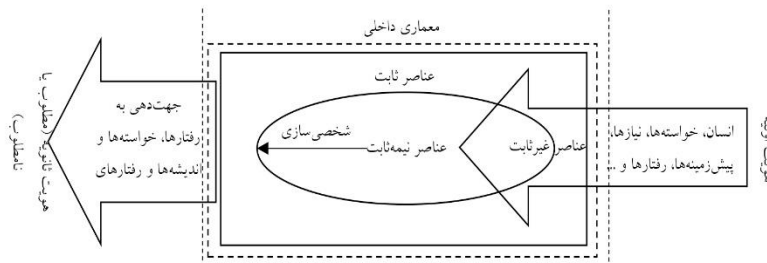


نمودار ۴: عناصر محتوایی و کالبدی هویت‌ساز در معماری ایرانی-اسلامی (با اقتباس از نقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۱۸؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۳)

برهم‌نهی اطلاعات و ارائه مدل هویت‌مندساز معماری داخلی

با توجه به مباحث پیش‌گفته، مشخص شد انسان و خواسته‌ی او در شکل‌گیری فضاهای معماری نقشی محوری دارد. محیط نیز پس از ساخته شدن بر اعمال و رفتارهای مخاطبان فضا مؤثر است (لنگ، ۱۳۹۳: ۲۴۹؛ دورک، ۱۳۹۴: ۱۲۶). همچنین مشخص شد، محیط متشکل از عناصر ثابت (کف، جداره، سقف)، نیمه‌ثابت (تجهیزات، تزئینات و ادوات) و غیرثابت (انسان‌ها و رفتارهایشان) است (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۶:

۸۹؛ چینگ، ۱۳۹۲: ۱۵۴؛ راپاپورت، ۱۳۹۱: ۵۴). در این میان طراحی عناصر ثابت و نیمه ثابت از نظر محتوا و کالبد به عهده‌ی معماران داخلی است و مخاطبان پس از حضور در فضا بر اساس نیازها و هویت فردی‌شان نسبت به شخصی‌سازی آن اقدام می‌کنند (با توجه به اینکه عناصر ثابت به‌سختی تغییر می‌کنند، تأثیر شخصی‌سازی فضا بر عناصر نیمه ثابت ملموس‌تر است). البته ذکر این نکته ضروری است که عناصر ثابت ظرف عناصر نیمه ثابت است و بر آن اثرگذار است، پس تأثیر عناصر ثابت در شخصی‌سازی عناصر نیمه‌ثابت امری جبری است، یعنی امکان جهت‌دهی مخاطب حتی پس از شخصی‌سازی فضا برای معماری داخلی وجود دارد، در این فرآیند، معمار داخلی، محیط را برحسب نیازها، خواسته‌ها و جمیع شرایط زمانی و مکانی مخاطبان و جهان بینی خودش (هویت اولیه) طراحی و اجرا می‌نماید، مخاطبان براساس نیازها، خواسته‌ها و جهان‌بینی خودشان نسبت به شخصی‌سازی فضا اقدام می‌نمایند. برآیند حاصل از این کنش و واکنش بر مخاطبان اثرگذار بوده و هویت ایشان را به سمت مطلوب (نامطلوب) جهت‌دهی می‌کند (نمودار ۵).

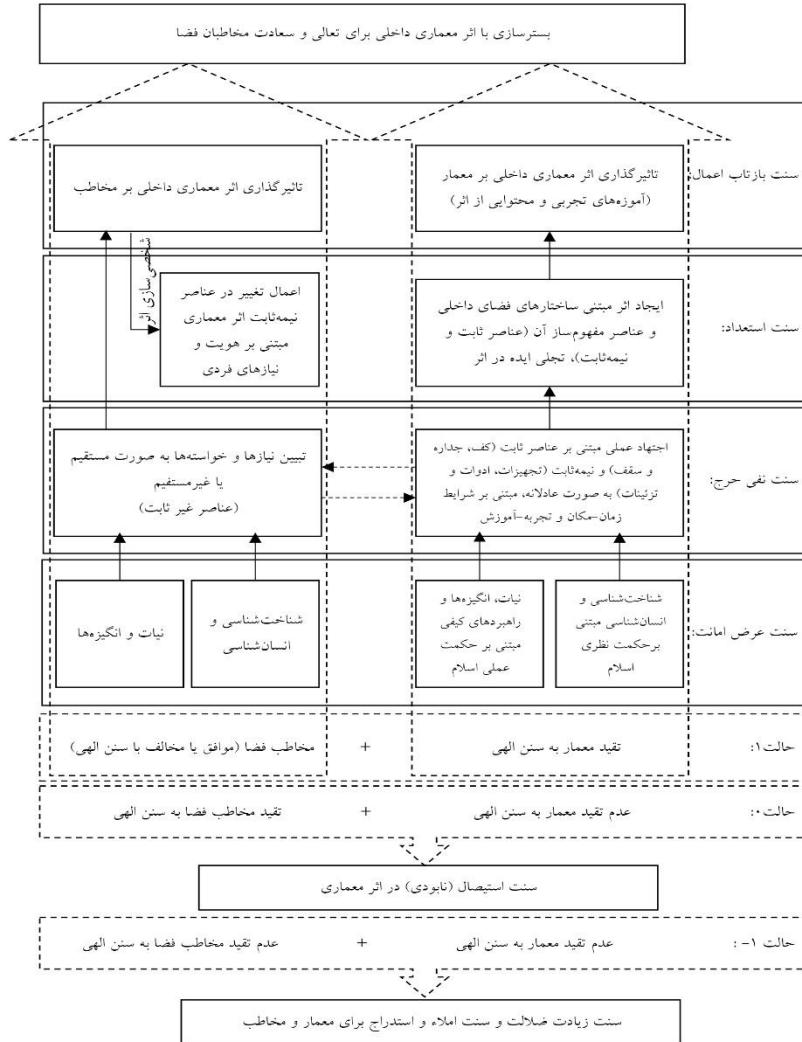


نمودار ۵: ارتباط عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت و نقش آن در جهت‌دهی به رفتارها، خواسته‌ها و اندیشه‌های مخاطبان فضا

با توجه به نمودار ۵ می‌توان گفت که هدایت رفتارها جهت‌دهی به هویت مخاطبان فضا توسط معماران داخلی امری اثبات شده است؛ اما براساس سنت‌های الهی معماران مسلمان برای آنکه بستر سعادت مخاطبان را ایجاد نمایند، موظف به سیر در طریقت اسلامی هستند. در سیره الهی، عرض امانت اولین سنتی است که انسان پس از خلقت قبول کرده و به‌عنوان وظیفه پذیرفته است، بنابراین در مدل طراحی داخلی نیز این سنت زیربنا و شالوده خواهد بود.

توجه به سنت عرض امانت موجب معرفت معمار هنرمند از عالم و انسان می‌شود، معبود را شناخته و پس از آن رابطه میان انسان با عوالم را کشف می‌کند، در این مرحله معمار از حکمت نظری اسلام مبتنی بر عقل و نقل بهره‌مند می‌شود. پس از معرفت شناسی، مرحله دوم نیز تحت لوای سنت عرض امانت است تا انگیزه و نیت معمار مبتنی بر حکمت عملی اسلام به صورت عادلانه شکل بگیرد و مبری از جهل و ظلم باشد، در این صورت می‌توان از آن به عنوان عمل صالح یاد کرد. سنت دوم، نفی حرج بیان شد، براساس این سنت، معمار داخلی موظف است که عناصر طراحی را شناخته و مبتنی بر شرایط زمان-مکان و به صورت عادلانه هر چیز را در جای خود طراحی نماید. در این مرحله از طراحی، عناصر ثابت و نیمه ثابت (تجهیزات، ادوات و تزئینات) اهمیت پیدا می‌کند و شیوه و روش معمار مشخص می‌شود. پس از آن تجلی ایده و ظهور کالبد آن مبتنی بر سنت استعداد است. بدین معنی که ایده باید در درون پدیده باشد اما با آن یکی نباشد، بیرون از آن باشد ولی جدای از آن نباشد، در این مرحله باید توجه داشت هرکسی استعداد لازم جهت طراحی و ساخت فضای داخلی را ندارد. پس از طراحی و ساخت فضای داخلی، اثر بر خود معمار تأثیر گذاشته و سپس بر روی مخاطبان فضا مؤثر خواهد بود. در این مرحله مخاطبان با توجه به هویت فردی خودشان نسبت به شخصی سازی فضا اقدام می‌نمایند. می‌توان گفت در صورتی که طراحی و ساخت فضا براساس سنت‌های الهی انجام شده باشد، محیط داخلی بستر عروج مخاطبان را فراهم می‌نماید و در صورتی که بی توجه به طریقت اسلام باشد، زمینه هبوط افراد فراهم شده است. در نمودار شماره ۶ می‌توان مدل کامل شده‌ی طراحی داخلی را مشاهده کرد.

لازم به ذکر است که معماران داخلی، برای طراحی داخلی با دو نوع از محیط مواجه هستند: ۱- طراحی ساختمان موجود و ۲- طراحی فضای داخلی بکر، منظور از نوع اول، فضایی است که عناصر ثابت در آن وجود داشته و در نوع دوم، طراحی عناصر ثابت نیز در اختیار معمار است. برای طراحی داخلی نوع اول می‌توان از واژه «بازطراحی» استفاده کرد (بروکر و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۴). مدل مذکور برای ارزیابی و طراحی هر دو حالت ممکن قابلیت کاربرد دارد.



نمودار ۶: مدل کامل شده طراحی فضاهای داخلی مبتنی بر هویت اسلامی-ایرانی و سنت های الهی

نتیجه گیری

هدف از این پژوهش، دستیابی به راهی برای درک واقعیت فضاهای داخلی و ساختاردهی به آن اعلام شد، این هدف با توجه به تکاثر موجود در طراحی فضاهای داخلی و بی هویتی حاصل از مدرنیته تبیین گردید. برای دستیابی به هدف مذکور،

تعاریف پایه از سنت الهی ارائه شد و مشخص گردید سنت‌های الهی به صورت مطلق یا مقید، روش‌هایی هستند که رسم زیستن در این جهان را به انسان آموخته و ابزار سنجش خوب از بد را در اختیار او می‌گذارند. سنت‌ها می‌توانند هویت افراد و جامعه را شکل دهند و شئون متمایز آن‌ها را ایجاد کنند. در بین سنت‌های الهی چهار سنت «عرض امانت»، «نفی حرج»، «استعدادها» و «بازتاب اعمال» ارتباط معنا داری با فرآیند ایجاد اثر معماری دارند، به صورتی که معرفت‌شناسی، بینش، ایده‌ها و نیات افراد تحت سنت عرض امانت هدایت‌شده و انسان‌ها (معماران و مخاطبان اثر) تحت لوای آن موظف به شناخت خود، خداوند و جامعه هستند تا مبتنی بر آن اقدام به عمل صالح نمایند. سنت نفی حرج به این موضوع اشاره دارد که خداوند برای بندگان سختی نمی‌خواهد، مبتنی بر این سنت، معمار داخلی موظف است با استفاده از عناصر مفهوم‌ساز فضا (ثابت و نیمه‌ثابت) خواسته‌ها و نیازهای مختلف مخاطبان را اغنا نموده و رفتارها و کردارهای ایشان (عناصر غیرثابت) را در محیط هدایت کند. سپس مبتنی بر سنت استعدادها، اثر معماری متجلی شده و کالبد می‌یابد، این کالبد جدا از ایده‌ها و ایده‌آل‌های معماران نیست، بنابراین بازتاب عمل ابتدا بر شخص معمار و پس از آن بر مخاطبان مؤثر خواهد بود، مخاطبان اثر نیز با توجه به نیازها و هویت فردی‌شان نسبت به شخصی سازی فضا اقدام می‌کنند. از برهم‌نهی این مسائل مدلی ارائه شده که استوار بر سنت‌های الهی است، در مدل بیان شده که تقید معمار می‌تواند بستر سعادت مخاطبان را فراهم سازد و عدم تقید او به سنن الهی، می‌تواند موجب جاری شدن سنت‌های استیصال (نابودی)، زیادت ضلالت و املاء و استدرج در اثر معماری یا معمار و مخاطب شود.

یادداشت‌ها

- ۱- رک نقره‌کار، ۱۳۹۳: ۵۳-۸۱.
- ۲- سنت‌های پنداری برآمده از نص قرآن کریم (سنت الله)، سنت‌های گفتاری شامل احادیث، رهنمودها و سفارش‌های ائمه معصومین و سنت‌های کرداری شامل فعالیت‌ها و تلاش‌های عملی پیامبر و ائمه اطهار (حجت، ۱۳۹۳: ۲۹) است.
- ۳- در تعریف کلی می‌توان گفت مدل‌سازی معنایی راهی برای درک واقعیت و ساختاربخشی به آن براساس موضع‌گیری فلسفی است (لنگ، ۱۳۹۳: ۱۵).
- ۴- و آیاتی چون فاطر، ۴۳ و احزاب، ۶۲.
- ۵- رک ابراهیمی؛ زرنگار و زارعی، ۱۳۹۹: ۱۰۳-۷۹.



- ۶- رک نقره کار، ۱۳۹۳: ۴۶.
- ۷- حدود ۳۰ آیه دیگر در این زمینه وجود دارد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۹).
- ۸- برای مطالعه بیشتر رک شهر اسلامی (العاملی، ۱۳۹۱).

منابع

- ابراهیمی، هادی؛ زرنگار، احمد؛ زارعی، حدیثه؛ (۱۳۹۹). «تاویل سنت‌های الهی در قرآن»، *پژوهشنامه تأویلات قرآنی*، سال ۲، شماره ۴، صص ۷۹-۱۰۳.
- ابل، کریس؛ (۱۳۸۷)، *معماری و هویت*، ترجمه فرح حبیب. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- اردلان، نادر، و لاله بختیار؛ (۱۳۹۳)، *حس وحدت*، ترجمه و نداد جلیلی. تهران: انتشارات علم معمار.
- آصفی، مازیار، و الناز ایمانی؛ (۱۳۹۱)، «چالش‌های فناوری‌های نوین در معماری و تعامل آن با ارزش‌های معماری اسلامی ایران»، *باغ نظر*، سال ۹، شماره ۲۱، صص ۲۱-۳۴.
- بانی مسعود، امیر؛ (۱۳۸۹)، *معماری غرب ریشه‌ها و مفاهیم*، تهران: انتشارات هنر معماری قرن.
- بروکر، گریم؛ استون، سالی؛ (۱۳۹۲)، *طراحی داخلی چیست*، ترجمه حمیدرضا انصاری و سید یحیی اسلامی. تهران: انتشارات علم معمار.
- بمانیان، محمدرضا؛ غلامی رستم، نسیم؛ رحمت‌پناه، جنت؛ (۱۳۸۹) «عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی، نمونه موردی خانه رسولیان یزد»، *مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۱۳، صص ۵۵-۶۸.
- بور، والتر؛ (۱۳۷۶)، «شهر و مسئله تشخیص»، ترجمه مهرناز مولوی، *مجله آبادی*، شماره ۲۲، صص ۲۸-۳۳.
- پایل، جان‌اف؛ گورا، جودت؛ (۱۳۹۷)، *تاریخ طراحی داخلی*، ترجمه محمدرضا نامداری، لیدا حسین‌زاده و الهه نشاطی. مشهد: انتشارات کسری.
- تقوایی، سید حسین؛ (۱۳۹۱)، «از سبک تا هویت در معماری»، *هنرهای زیبا*، شماره ۲، صص ۶۵-۷۳.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۹۵)، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، قم: انتشارات اسراء.
- چینگ، دی‌کی؛ (۱۳۹۲)، *مرجع کامل معماری داخلی*، ترجمه کوروش محمودی و علی‌رضا بشیری گودرزی. تهران: انتشارات بیهق کتاب.
- حجت، عیسی؛ (۱۳۸۴)، «هویت انسان‌ساز، انسان هویت پرداز (تاملی در رابطه هویت و معماری)»، *هنرهای زیبا*، شماره ۲۴، صص ۵۵-۶۲.
- حجت، عیسی؛ (۱۳۹۳)، *سنت و بدعت در آموزش معماری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خسروی، محمداقرا؛ بمانیان، محمدرضا؛ سیغیان، محمداکرم؛ (۱۳۹۱)، «نقش هویت‌ساز قاعده لاضرر در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی»، *نقش جهان*، شماره ۱، صص ۱۹-۳۰.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ (۱۳۸۳)، «درآمدی بر مفهوم و کارکرد هویت محیط انسان‌ساخت»، *باغ نظر*، شماره ۱، صص ۵۹-۷۰.
- دشتی، علی‌اکبر؛ (۱۳۸۰)، *پژوهش‌های فلسفی-کلامی*، شماره ۹، صص ۴۵-۶۵.
- دورک، دانایی؛ (۱۳۹۴)، *برنامه‌دهی معماری*، ترجمه امیرسعید محمودی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- ذاکری، مختار؛ شیروانی شیری، علی؛ (۱۴۰۱)، «تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب بر مبنای مولفه‌های هویت آفرینی اسلامی-ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۱، سال ۲۳، صص ۳۳-۵۱.
- راپاپورت، آموس؛ (۱۳۹۰)، *فرهنگ، معماری و طراحی*، ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف‌نیاپاشا، ساری: انتشارات شلفین.
- روبر، دوشه؛ (۱۳۹۵)، *شناخت سبک‌های معماری و دکوراسیون داخلی*، ترجمه امیر جلیلی. تهران: انتشارات کلهر.
- سلسله، علی؛ سلسله، محسن؛ (۱۳۸۸)، «بررسی تاثیر عامل هویت (ایرانی، اسلامی) بر زیبایی شهر»، *آرمانشهر*، شماره ۲، صص ۴۷-۵۸.
- شولتز، کریستین نوربری؛ (۱۳۹۵)، *مفهوم سکونت*، ترجمه امیر یاراحمدی. تهران: نشر آگه.
- طباطبایی، محمدحسین؛ (۱۳۹۸)، *تفسیر المیزان*؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبسی، محسن؛ (۱۳۸۶)، *بازتاب هویت ایرانی در معماری اسلامی ایران، از هویت ایرانی*؛ تهران: انتشارات سوره مهر.
- العاملی، سیدجعفر مرتضی؛ (۱۳۹۱)، *شهر اسلامی*، مشهد: انتشارات بوی شهر بهشت.
- عمید، حسن؛ (۱۳۶۳)، *فرهنگ فارسی عمید*؛ تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قرائتی، محسن؛ (۱۳۹۷)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرآن کریم.
- قرشی‌بنایی، علی‌اکبر؛ (۱۳۸۶)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کامل‌نیا، حامد؛ (۱۳۸۴)، «هویت‌زدایی از معماری»، *مجله آبادی*، شماره ۴۸، صص ۶۴-۷۰.
- کورثا، چالز؛ (۱۳۸۷)، «در جست‌وجوی هویت»، *آینه خیال*، شماره ۹، صص ۸۲-۸۳.
- الکساندر، کریستوفر؛ (۱۳۸۵)، *زبان الگو*، ترجمه رضا کربلایی نوری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.
- گروتز، یورگ کورت؛ (۱۳۹۰)، *زیبایی‌شناسی در معماری*، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد، عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گروث، لیندا، و دیوید وانک؛ (۱۳۹۴)، *روش‌های تحقیق در معماری*، ترجمه علی‌رضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گریملی، کریس؛ لاو، می‌می؛ (۱۳۹۶)، *طراحی داخلی*، ترجمه سمیه سادات حسینی و اکبر دبستانی. مشهد: انتشارات کسری.
- گلچین، نوید؛ (۱۳۹۵)، «شناسایی کانسپت‌های طراحی داخلی»، *چیدمان*، شماره ۱۳، صص ۴۸-۵۷.
- گیدیون، زیگفرد؛ (۱۳۹۱)، *فضا، زمان و معماری*، ترجمه منوچهر مزینی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لیب‌زاده، راضیه؛ حمزه‌نژاد، مهدی؛ (۱۳۹۷)، «مدل‌سازی معنایی در ساختار شهر و بررسی دیدگاه‌های اسلامی درباره آن»، *مطالعات شهری ایرانی-اسلامی*، شماره ۳۲، صص ۴۳-۶۰.
- لنگ، جان؛ (۱۳۹۳)، *آفرینش نظریه معماری*، ترجمه علی‌رضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین؛ (۱۳۹۵)، *سیمای شهر*، ترجمه منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ (۱۳۹۱)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مفیدی، محمدرضا؛ (۱۳۹۷)، *سبک‌شناسی معماری داخلی*، جلد ۱-۳، تهران: انتشارات سیمای دانش.



- نقره کار، عبدالحمید؛ (۱۳۹۴)، *برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری*، تهران: انتشارات فکر نو.
- -----؛ (۱۳۹۵)، «نسبت اسلام با فرآیندهای انسانی فرانظریه سلام»، *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۴-۲۶.
- نقره کار، عبدالحمید؛ علی‌الحسابی، مهران؛ (۱۳۹۶)، *تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی*؛ تهران: انتشارات فکر نو.
- نقی‌زاده، محمد؛ (۱۳۷۹)، «رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی»، *هنرهای زیبا*، شماره ۷، صص ۷۹-۹۱.
- -----؛ (۱۳۹۰)، *شهر آرمانی اسلام با فضای حیات طبیه*، تهران: نشر شهر.